

روان‌شناسی خداپرستی

ضمیر ناخودآگاه دست‌گرفته شده‌اند تا حدی که ارزش‌های روحانی و غیرمادی انسان، تحت‌الشعاع امور مادی و جسمانی قرار گرفته است. انسان از قرن هجدهم به یاری پیشرفت‌های شگفت‌آوری که در علوم طبیعی و تکنولوژی منجر به انقلاب صنعتی و سعادت مادی شده، تغییرهایی کرده و متأسفانه موقعیت کیهانی و بُعدهای الهی و عرفانی او کم‌رنگ شده و درحال حاضر، انسان صنعت‌زده و تکنولوژی‌محور امروز را می‌بینیم که دچار سرگستگی و عدم رضایت از زندگی است.

انسان سالم، چیزی بیش از انسان تطابق‌یافته با محیط پیشرفته‌ی صنعتی است و معیارهایی برای سلامت روان بیان شده که تجربه‌ی عرفانی از مهم‌ترین آن‌هاست.

به قول «وین دایر»: **«شما یک روح هستید با یک جسم، نه یک جسم به همراه یک روح. یک موجود روحانی هستید که دارای تجربه‌ی انسانی است، نه یک انسان با تجربه‌ی روحانی.»**

و برای فهم بهتر این تجربه، بررسی کنید که چند درصد حالت‌های زیر در زندگی شما رخ می‌دهند:

❑ رضایت خاطر پاک و بی‌آلایش که حاصل گذشت و رحمت است.
❑ احساس عارفانه‌ی ناشی از بخشش‌های مادی و غیرمادی، بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی.

❑ لذت ناشی از حیرت از اسرار کائنات و آفرینش، تجربه‌ی سکوت پرمعنی، آموزنده و عبرت‌انگیز حاکم بر قبرستان و بازنگری هدف از زندگی به هنگام رفتن بر سر قبرها برای تجدید خاطره با مردگان.

❑ کسب رضایت خاطر از پاک‌کرن غبار غم از چهره‌ی دیگران و بدل کردن اشک دردمندی به لبخند.

زندگی، چیزی بیش از این زندگی مادی و جسم خاکی است.

ای دل ز غبار جسم، اگر پاک شوی

تو روح مجردی بر افلاک شوی

عرش است نشیمن تو شرم‌ت بادا

کایی و مقیمی خطه خاک شوی

«خیام»

«روان‌شناسی خداپرستی» رشته‌ی دیگری از علم روان‌شناسی است که تأثیر دین و عرفان را در رفتار اجتماعی و فردی انسان مورد بررسی قرار می‌دهد و با مطالعه‌ی شیوه‌ی زندگی رستگاران، عارفان و پیامبران، به انسان الهام می‌بخشد تا «راه» را از «چاه» تشخیص دهد و زندگی‌اش به گناه آلوده نشود و با سلامت و سعادت، همراه باشد.

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، از چند دهه‌ی گذشته، توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روان‌شناسی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده‌ی جامعه‌های نوین از سوی دیگر، باعث شده نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی، قد علم کرده و اهمیت بیش‌تری بیابند.

انسان به دنیا می‌آید، مرحله‌های مختلف رشد را طی می‌کند و سپس از این جهان می‌رود.

آیا روند و سیر تکاملی انسان همین است؟

آیا این چرخه‌ی همیشگی، با هدف خاصی صورت‌گرفته و تداوم می‌یابد؟ در پرتو خداپرستی به این سؤال‌ها پاسخ داده می‌شود، زیرا علم نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه‌ی سؤال‌های انسان باشد. پدیده‌هایی در جهان وجود دارد که اثبات یا حتی پرداختن به آن‌ها، در چارچوب ورائی می‌گنجند.

پرستش خدا و یکتاپرستی، بُعد معنوی رشد انسان است. برخی از روان‌شناسان، معنویت را به‌عنوان تلاش دائمی بشر برای پاسخ‌دادن به چراهای زندگی تعریف کرده‌اند و در نتیجه، رشد و تکامل، بخش مهمی از معنویت را تشکیل می‌دهد.

پس رشد معنوی از زمانی آغاز می‌شود که کودک به‌دنبال دلیل می‌گردد و در مورد پدیده‌های موجود در اطراف خود، جست‌وجو می‌کند: «چرا آسمان آبی است؟»، «چرا شب تاریک است؟» و...

در ریشه‌یابی اختلال‌های روانی و رفتاری، در بسیاری از موارد، به اختلال در شیوه‌ی تفکر فرد برای دست‌یابی به این سؤال‌ها برمی‌خوریم. در بسیاری از موارد نیز فرد در رسیدن به پاسخ این سؤال‌ها، ارضا نشده باقی می‌ماند. به‌همین جهت، تأکید روزافزون دانشمندان بر رشد بُعد معنوی انسان‌ها افزایش می‌یابد. کاربرد معنویت عرفان در بهبود رنج‌های روانی از دیرباز مورد توجه روان‌شناسان و روان‌پزشکان بوده و اولین کسی که به این نکته اشاره کرد «یونگ» روان‌شناس و روان‌پزشک برجسته‌ی «سوئیسی» بود که اعلام کرد: «انسان قرن بیستم بیش از حد، عقلایی شده و تکیه‌ی افراطی بر ضمیر آگاه نموده و نیروهای دیگر او از جمله

